

فرا تحلیل ارزیابی تأثیر سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی بر وضعیت نابرابری در ایران

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی
مهر ۱۴۰۰

بنام خداوند جان و آفریننده



فرا تحلیل ارزیابی تأثیر سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی بر وضعیت نابرابری در ایران

پژوهشگران: زهره سروش‌فر، محمد عادل

رفاه و سیاست اجتماعی - ۸

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی

مهر ۱۴۰۰

فهرست مطالب

| | |
|----|---|
| ۳ | مقدمه..... |
| ۶ | وضعیت نشر پژوهش‌ها..... |
| ۷ | مشخصات پژوهشگران..... |
| ۸ | تعریف نابرابری و روش‌های بکار رفته در پژوهش‌ها..... |
| ۸ | ادبیات نظری بکار رفته در پژوهش‌ها..... |
| ۹ | نتایج ارزیابی تأثیر سیاست‌ها..... |
| ۱۰ | نتیجه‌گیری..... |



توانمندسازی
حاکمیت و جامعه

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی

فرا تحلیل ارزیابی تأثیر سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی بر وضعیت نابرابری در ایران

پژوهشگران: زهره سروش‌فر، محمد عادل

رده موضوعی: رفاه و سیاست اجتماعی - ۸

مقدمه

نابرابری یکی از مسائل حاد اجتماعی است که همواره یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران بوده است. این مسئله می‌تواند ابعاد مختلفی از جمله نابرابری اقتصادی (درآمدی و ثروت)، نابرابری منطقه‌ای و جغرافیایی، نابرابری اجتماعی، نابرابری جنسیتی، نابرابری قومی و... به خود گیرد که نشان‌دهنده وضعیت متفاوت گروه‌های مختلف در جامعه است. از این‌روست که پژوهشگران مختلف با تعاریف مختلف از انواع نابرابری و با اتکا به شاخص‌ها و سنجه‌های گوناگون در پی شناسایی وضعیت آن و همچنین تأثیر سیاست‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی بر این وضعیت هستند. در اینجا سعی شده است با مرور پژوهش‌های انجام‌شده در ایران که تأثیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی-اجتماعی (اعم از کلان یا موردی) بر ابعاد مختلف نابرابری را مورد بررسی قرار داده‌اند، به واکاوی فهم پژوهشگران از مسئله نابرابری و پیامد سیاست‌های مختلف پرداخته شود.

این بررسی از نوع مطالعات ثانویه است که روش استفاده‌شده برای اجرای آن مرور سیستماتیک بوده است. مرور سیستماتیک به‌طور خلاصه عبارت است از اقدامی هماهنگ که برای شناسایی روشمند کلیه پژوهش‌های اولیه در دسترس، ارزیابی نقادانه این پژوهش‌ها و در بعضی موارد تحلیل کمی آن‌ها برای پاسخ دادن به یک سؤال مرتبط با حوزه موردبررسی انجام می‌شود (رجب‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۳)^۱. اهداف اصلی مطالعات مروری نظام‌مند را می‌توان چنین برشمرد: اثبات نوعی قرابت و ارتباط با بدنه دانش موردنظر و اعتبارسنجی مقبولیت آن، نشان دادن مسیر پژوهش‌های پیشین و کیفیت ارتباط طرح‌های پژوهشی فعلی نسبت به آن‌ها و تلفیق و تلخیص آنچه در یک حوزه مطالعاتی به‌عنوان دستاورد انباشتی دانش مطرح است (قاضی طباطبایی و وداده‌هیر، ۱۳۸۹: ۶۳)^۲.

هدف از این مرور نظام‌مند اتخاذ فرایندی روشمند، منظم و یکپارچه برای مرور و بررسی پژوهش‌های پیشین در ارتباط با تأثیر سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی بر ابعاد و جوانب مختلف نابرابری بوده است. برای این کار مبادرت به تهیه و تدوین مجموعه‌ای از واژگان کلیدی مرتبط گردید و در ادامه با مبنا قرار دادن بسته واژگان کلیدی فراهم‌شده، پایگاه‌های اطلاعاتی منابع علمی مختلف مورد جستجو قرار گرفت. واژگان کلیدی مورد استفاده برای جستجو عبارت بودند از: نابرابری، نابرابری در ایران، ارزیابی تأثیر نابرابری، نابرابری درآمدی، نابرابری جنسیتی، نابرابری قومی، نابرابری فضایی، نابرابری+هدفمندی یارانه‌ها، نابرابری+طرح تحول سلامت.

در جستجوی پایگاه‌ها نیز تلاش شد به‌جز جستجوی عمومی این کلیدواژه‌ها، پایگاه‌هایی مانند [magiran](http://magiran.com)، ensani.ir، [noormags](http://noormags.com)، sid.ir، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و مرکز گنج ایران‌داک موردبررسی قرار گیرد. مقالات

۱. رجب‌نژاد، مریم، آرمین شیروانی و شهاب خزانهداری (۱۳۸۵)؛ مرور نظام‌مند شواهد، مرکز تعالی دانشگاه، دفتر تعالی خدمات بالینی، دانشگاه شهید بهشتی.

۲. قاضی طباطبایی، محمود و ابوعلی وداده‌هیر (۱۳۸۹)؛ فراتحلیل در پژوهش‌های اجتماعی و رفتاری، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان

به‌دست آمده نیز در ادامه مورد پالایش قرار گرفته و منابع نامربوط، کمتر کاربردی و تکراری طی فرایند غربالگری از چرخه بررسی حذف شدند و مقالات مرتبط جامع‌تر برای بررسی انتخاب شدند. درنهایت ۲۵ مقاله برای این بررسی مناسب تشخیص داده شدند که مشخصات آن‌ها در جدول زیر ذکر شده است:

| ردیف | عنوان مقاله | نویسنده | سال انتشار |
|------|--|---|------------|
| ۱ | اثر هدفمندی یارانه‌ها بر فقر و بیکاری: (فاز اول هدفمندی یارانه‌ها) | سحر بیکی، مرتضی سامتی و حسین شریفی رنانی | ۱۳۹۲ |
| ۲ | تأثیر قانون هدفمندسازی یارانه کالاهای اساسی بر رفاه خانوار (مطالعه موردی: شهر اصفهان) | منیر صادقی، نعمت‌الله اکبری و هادی امیری | ۱۳۹۵ |
| ۳ | آثار اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی بر فقر و نابرابری درآمدی | وحید مهربانی و سعید توتونچی ملکی | ۱۳۸۷ |
| ۴ | اثر هدفمندسازی یارانه‌ها بر فقر و توزیع درآمد در ایران: مدل‌سازی تعادل عمومی عرضه کار | سپیده یاشارئل و مجید حبیبیان نقیبی | ۱۳۹۵ |
| ۵ | ارزیابی اثربخشی سیاست هدفمندی یارانه‌ها بر فقر | محسن جلالی | ۱۳۹۷ |
| ۶ | بررسی اثر برخی از شاخص‌های اقتصادی بر نابرابری طی پنج دهه گذشته در کشور | سیف‌الله اسلامی | ۱۳۹۷ |
| ۷ | بررسی اثر سیاست‌های اقتصادی بر نابرابری فرصت‌های آموزشی در ایران | اسمعیل ابونوری و علیرضا محمدی | ۱۳۹۶ |
| ۸ | بررسی اثرات غیرخطی تلاطمات نقدینگی بر نابرابری توزیع درآمد در ایران: رویکرد NARDL | اصغر ابوالحسنی، سمیرا متقی و صلاح ابراهیمی | ۱۳۹۸ |
| ۹ | بررسی تأثیر توسعه بازارهای مالی بر نابرابری درآمدی در اقتصاد ایران | منصور زراءنژاد | ۱۳۹۳ |
| ۱۰ | بررسی تأثیر هدفمندی یارانه‌ها بر مشاغل آزاد و مزد و حقوق‌بگیر: با تأکید بر فقر و نابرابری | باقر درویشی، فرشته محمدیان و مهین احمدی خواه | ۱۳۹۸ |
| ۱۱ | تأثیر آزادسازی تجاری بر نابرابری درآمدی تحت حاکمیت اقتصاد مقاومتی: رهیافت تعادل عمومی قابل‌محاسبه (مطالعه موردی ایران) | علی حسین صمدی، ابراهیم هادیان، پرویز رستم‌زاده و حمزه شیخیانی | ۱۳۹۸ |
| ۱۲ | تأثیر اعطای معافیت‌های مالیاتی در نظام مالیات بر ارزش افزوده بر نابرابری و توزیع درآمد | پریسا مهاجری | ۱۳۹۹ |



| ردیف | عنوان مقاله | نویسنده | سال انتشار |
|------|---|--|------------|
| ۱۳ | تأثیر توسعه مالی بر نابرابری درآمد در ایران | نسیم جابری خسروشاهی، محمد رضا محمدوند ناهیدی و داود نوروزی | ۱۳۹۱ |
| ۱۴ | تأثیر توسعه مالی بر نابرابری درآمد شهری و روستایی در ایران: رویکرد GMM | زهرا اسعدی، مجید دشتبان فاروجی و عبدالله خشنودی | ۱۳۹۸ |
| ۱۵ | تأثیر سیاست پولی بر نابرابری درآمد | مهناز سرخوندی، کیومرث سهیلی و شهرام فتاحی | ۱۳۹۸ |
| ۱۶ | تأثیر شوک‌های پولی، مالی و نفتی بر نابرابری جنسیتی در چارچوب یک الگوی نیوکینزی در ایران | محمد مهدی زارع شحنه، زهرا نصراللهی و حجت پارسا | ۱۳۹۹ |
| ۱۷ | تأثیر گردشگری بر نابرابری درآمد در ایران | امین حاتمی، ابوالقاسم اثنا عشری و نرجس اسدی | - |
| ۱۸ | تأثیر نابرابری آموزش بر توزیع درآمد در ایران | سید مرتضی افقه، مائده غرافی و مهدی بصیرت | ۱۳۹۴ |
| ۱۹ | تحلیل اثرگذاری مخارج دولت بر نابرابری درآمدی در استان‌های کشور | خسرو نورمحمدی، عباس عرب مازار، نادر مهرگان و بامداد پرتویی | ۱۳۹۹ |
| ۲۰ | تحلیل رفاهی سیاست‌های یارانه‌ها در اقتصاد ایران | یدالله دادگر و روح‌الله نظری | ۱۳۹۰ |
| ۲۱ | توزیع درآمد و وضعیت رفاه خانوارها قبل و بعد از هدفمندی یارانه‌ها در استان فارس | روح‌الله شهنازی، محمد رضا شهسوار و محمد حسین مبشری | ۱۳۹۳ |
| ۲۲ | توسعه مالی، نابرابری درآمدی و فقر در ایران | زهرا افشاری و سمانه بیک‌زاده | ۱۳۹۶ |
| ۲۳ | رابطه توسعه مالی و نابرابری درآمدی در ایران | خسرو پیرائی و نفیسه بلیغ | ۱۳۹۴ |
| ۲۴ | عوامل مؤثر بر نابرابری توزیع درآمد در ایران با تأکید بر نقش مهاجرت و شهرنشینی | محمد طاهر احمدی شادمهری، ابراهیم قائد و مزگان مرادی | ۱۳۹۸ |
| ۲۵ | نقش صنعت گردشگری در ایجاد نابرابری درآمدی در بین استان‌های کشور | محمد باقر بهشتی، پرویز محمدزاده و خلیل قاسملو | ۱۳۹۶ |

وضعیت نشر پژوهش‌ها

وضعیت مقالات از نظر سال انتشار نشان می‌دهد که تمامی مقالات در دهه ۱۳۹۰ نوشته شده‌اند و فقط یک مورد مربوط به سال ۱۳۸۷ است. در دهه ۹۰ نیز سال ۱۳۹۸ بیشترین مقالات را داشته است که در این سال ۶ مقاله به بررسی و ارزیابی تأثیر سیاست‌ها بر نابرابری پرداخته‌اند و پس از آن در سال‌های ۹۹ و ۹۶ سه مقاله در هر سال نوشته شده است. در بین ۲۵ پژوهش مورد بررسی مشاهده شده است که ۲۳ مورد از آن‌ها مقالات علمی پژوهشی بوده‌اند که ۲۲ مورد در مجلات علمی پژوهشی منتشر شده‌اند و یک مورد نیز جزو مقالات کنفرانسی است که در اولین همایش الکترونیکی ملی چشم‌انداز اقتصاد ایران ارائه شده است. دو مورد از پژوهش‌ها نیز گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس هستند. در مورد منبع انتشار ۲۲ مقاله پژوهشی نیز مشاهده می‌شود که تنوع بسیاری در مجلات پژوهشی وجود دارد به طوری که این مقالات در ۱۹ مجله متفاوت منتشر شده‌اند. در این بین فقط سه فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی و فصلنامه علمی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران بوده‌اند که هرکدام دو مقاله را منتشر کرده‌اند و در باقی فصلنامه‌ها فقط یک مقاله منتشر شده است. در جدول زیر عناوین این ۱۹ مجله علمی پژوهشی و شماره‌ای که این مقالات در آن منتشر شده‌اند، مشخص شده است:

| ردیف | نام فصلنامه | شماره | ردیف | نام فصلنامه | شماره |
|------|--|--|------|--|---|
| ۱ | مجله اقتصادی | شماره‌های ۹ و ۱۰، آذر و دی ۱۳۹۷ | ۱۱ | فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی | ۱- سال یازدهم، شماره ۴۲ ۲- سال چهاردهم، شماره ۵۴ |
| ۲ | مجله علمی پژوهشی سیاست‌گذاری اقتصادی | سال هشتم، شماره شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ | ۱۲ | فصلنامه راهبرد اقتصادی | سال هشتم، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۹۸ |
| ۳ | فصلنامه تعلیم و تربیت | شماره ۱۳۲، سال ۱۳۹۶ | ۱۳ | فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی | شماره ۲۳، بهار ۱۳۹۵ |
| ۴ | فصلنامه روند | سال بیست و پنجم، شماره‌های ۸۱ و ۸۲، بهار و تابستان ۱۳۹۷ | ۱۴ | مدل‌سازی اقتصادسنجی | سال اول، تابستان ۱۳۹۳ |
| ۵ | فصلنامه علمی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران | ۱- سال هشتم، شماره ۲۹، بهار ۱۳۹۸ | ۱۵ | فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی | ۱- سال دوم، شماره ششم، بهار ۱۳۹۱ |



| ردیف | نام فصلنامه | شماره | ردیف | نام فصلنامه | شماره |
|------|--|--|------|---|-------------------------------------|
| | | ۲- سال چهارم، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۹۴ | | ۲- سال یازدهم، شماره چهل و یک، زمستان ۱۳۹۹ | |
| ۶ | فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی | شماره ۲۹، زمستان ۱۳۹۸ | ۱۶ | فصلنامه علمی پژوهشنامه اقتصادی | سال نوزدهم، شماره ۷۴، پاییز ۱۳۹۸ |
| ۷ | فصلنامه میراث و گردشگری | | ۱۷ | مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی | جلد ۱۱، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۸ |
| ۸ | فصلنامه اقتصاد مالی | سال چهاردهم، شماره ۵۳، زمستان ۱۳۹۹ | ۱۸ | فصلنامه سیاست گذاری پیشرفت اقتصادی دانشگاه الزهرا | سال پنجم، شماره اول، بهار ۱۳۹۶ |
| ۹ | فصلنامه پژوهش های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار) | سال پانزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۴ | ۱۹ | مجله برنامه ریزی و توسعه گردشگری | سال ششم، شماره ۲۲، پاییز ۱۳۹۶ |
| ۱۰ | دو فصلنامه مطالعات جمعیتی | دوره ۵، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸ | | | |

مشخصات پژوهشگران

در مورد مشخصات نویسندگان نیز مشاهده شده است که در مجموع ۶۵ نویسنده در تدوین این مقالات و گزارش ها نقش داشته اند که در این میان ۱۶ نفر (۲۴/۶ درصد) زن و ۴۹ نفر (۷۵/۴ درصد) مرد بوده اند. همچنین از نظر سمت نویسندگان نیز مشاهده شده است که ۳۴ نفر (۵۲/۳ درصد) از نویسندگان جزو استادان دانشگاه و ۲۷ نفر (۴۱/۵ درصد) دانشجویان در حال تحصیل یا فارغ التحصیل بوده اند، ۴ نفر (۶/۱ درصد) نیز کارشناس مرکز پژوهش های مجلس بوده اند. همچنین از لحاظ مقطع تحصیلی نیز ۴۵ نفر (۶۹/۲ درصد) از این افراد دارای مدرک دکتری، ۱۶ نفر (۲۴/۶ درصد) دارای مدرک کارشناسی ارشد بوده و میزان تحصیلات ۴ نفر که کارشناس مرکز پژوهش های مجلس بوده اند نیز مشخص نشده است. در مورد رشته تحصیلی نیز مشاهده شده است که به غیر از ۲ نفر که در رشته مدیریت (مدیریت صنعتی و دولتی) تحصیل کرده اند، سایر پژوهشگران از رشته اقتصاد بوده اند. البته در این بین وضعیت رشته تحصیلی ۴ پژوهشگر نیز مشخص نیست اما از آنجاکه این افراد در دفاتر مطالعات اقتصادی و یا مالیه عمومی مرکز پژوهش های مجلس این گزارش ها را تدوین کرده اند، احتمالاً در رشته اقتصاد به تحصیل پرداخته اند.

تعریف نابرابری و روش‌های بکار رفته در پژوهش‌ها

بررسی این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ۲۳ مورد از آن‌ها دیدگاهی کلان داشته‌اند و وضعیت نابرابری و تأثیر سیاست‌ها را در سطحی ملی مورد بررسی قرار داده‌اند و فقط دو مورد از آن‌ها به بررسی وضعیت منطقه‌ای خاص (شهر اصفهان و استان فارس) پرداخته‌اند.

در پاسخ به این سؤال که در محتوای این پژوهش‌ها چه نوع از نابرابری بیشتر مورد توجه پژوهشگران بوده است، بررسی مقالات نشان می‌دهد که در اکثر آن‌ها (۲۱ مورد) منظور از نابرابری، نابرابری درآمدی است که حال می‌تواند بین استان‌ها و شهرهای مختلف کشور و یا افراد و خانوارها باشد. این در حالی است که فقط در چهار مورد از این پژوهش‌ها به انواع دیگری از نابرابری از جمله نابرابری مصرف مواد غذایی، نابرابری فرصت‌های آموزشی و نابرابری جنسیتی در اشتغال اشاره شده است که در این موارد نیز ارتباطی تنگاتنگ بین وضعیت درآمدی افراد و نابرابری مدنظر برقرار شده است. به عنوان نمونه زمانی که صحبت از نابرابری آموزشی شده است این مسئله به وضعیت درآمدی فرد و یا خانواده نسبت داده شده و به نوعی در این چهار مورد نیز بر نابرابری درآمدی تأکید شده است.

در نتیجه چنین رویکردی که اولویت اصلی را به نابرابری درآمدی می‌دهد، عمده شاخص موردسنجش برای بررسی تغییرات در وضعیت نابرابری نیز محدود به ضریب جینی بوده است، هرچند در برخی از پژوهش‌ها سعی شده است از شاخص‌های دیگری نیز استفاده شود. از نظر آماری، ضریب جینی عبارت است از نسبت اندازه نابرابری توزیع درآمد در جامعه به حداکثر اندازه نابرابری درآمدی ممکن در یک توزیع درآمد کاملاً ناعادلانه. این ضریب بین صفر و یک متغیر است و هر چه اعداد به دست آمده به صفر نزدیک‌تر باشند، یعنی توزیع ثروت عادلانه‌تر و هر چه به یک نزدیک‌تر باشند، یعنی ثروت در دست اقشار ثروتمند محدود شده است و توزیع درآمد به سمت نابرابری بیشتر سوق پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، ضریب جینی کوچک نشان می‌دهد که تمام افراد جامعه تقریباً از سطح درآمد یا ثروت یکسانی برخوردار هستند، در حالی که ضریب یک نشان می‌دهد یک نفر تمام ثروت را در اختیار دارد و سهم مابقی از ثروت تقریباً صفر است. گرچه ضریب جینی به عنوان یکی از شاخص‌های معتبر برای سنجش نابرابری در جامعه شناخته می‌شود اما نقدهایی بر آن به عنوان شاخصی تک‌بعدی که فقط صورتی خاص از نابرابری را می‌سنجد نیز وارد است. با اینکه این شاخص می‌تواند نشانه‌ای از وضعیت جامعه را در خود داشته باشد اما توصیه می‌شود شاخص‌های دیگری نیز در کنار آن به کار رود تا بهتر بتوان به ماهیت چندبعدی نابرابری پی برد. نتیجه چنین وضعیتی و اتکا صرف پژوهش‌ها بر این شاخص آن بوده است که اغلب مقالات برای سنجش نابرابری از مدل‌های آماری و اقتصادسنجی استفاده کرده‌اند که هرچند برای بررسی داده‌های آماری در سطح کلان ضروری هستند؛ اما منجر به تقلیل نابرابری به مسئله‌ای صرفاً اقتصادی و نه اجتماعی شده است. لازم به ذکر است که تعدادی از مقالات از روش‌ها و تکنیک‌های دیگری مانند مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی نیز به اندازه‌ای اندک بهره برده‌اند.

ادبیات نظری بکار رفته در پژوهش‌ها

بکار بردن روش‌های آماری و اقتصادسنجی سبب شده است که در اغلب این پژوهش‌ها استفاده مناسبی از ادبیات نظری و یا پژوهش‌های پیشین نشود. این وضعیت به گونه‌ای است که به نظر می‌رسد افزودن این بخش به ساختار مقالات

بیش از آنکه در راستای بهره‌برداری از آن مانند نقد پژوهش دیگران و بکار بردن رویکردی جدید در موضوع مورد مطالعه باشد، بیشتر در جهت حفظ چارچوب‌های رسمی انتشار مقالات علمی بوده است. در نتیجه فقط در تعداد کمی از مقالات صرفاً به منظور مشخص کردن روش و مدل آماری به کاررفته، از پژوهش‌های پیشین اندکی استفاده شده است.

نتایج ارزیابی تأثیر سیاست‌ها

در این پژوهش‌ها سه جهت‌گیری مختلف برای ارزیابی پیامد سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی حاکم است؛ دسته اول از پژوهش‌ها سیاستی خاص را مدنظر قرار داده و تأثیرات آن را در کاهش و یا افزایش نابرابری سنجیده‌اند. اغلب پژوهش‌هایی که چنین کرده‌اند، سیاست هدفمندی یارانه‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند که هفت پژوهش را شامل می‌شوند و فقط یک گزارش کارشناسی از مرکز پژوهش‌های مجلس به بررسی اثرات سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی پرداخته است. در دسته دوم پژوهش‌ها نه سیاست خاص اجرایی شده در زمانی خاص که نوع جهت‌گیری برخی سیاست‌گذاری‌های کلان مورد بررسی قرار گرفته است که می‌تواند در دوران مختلف سیاست‌های مختلفی را در پی داشته باشد. از این روست که پژوهشگران به بررسی تأثیرات سیاست‌های متفاوت ناشی از توسعه مالی و بازارهای مالی (۵ مورد)، سیاست‌های پولی و وضعیت نقدینگی (۲ مورد)، آزادسازی تجاری، وضعیت مخارج دولت، شوک‌های پولی و مالی، معافیت مالیاتی و سیاست‌های اقتصادی پرداخته‌اند. دسته سوم پژوهش‌ها نیز کلی‌ترین بررسی‌ها بوده و به بحث پیرامون برخی عوامل جمعیتی و اجتماعی پرداخته‌اند که سه مورد از این پژوهش‌ها جزو این گروه هستند. در این سه پژوهش تأثیر وضعیت گردشگری، مهاجرت و شهرنشینی و نابرابری آموزشی بر وضعیت نابرابری درآمدی مورد سنجش قرار گرفته است.

در ادامه یافته‌های پژوهش‌ها از ارزیابی سیاست‌ها در قالب همین سه نوع آمده است:

در مورد سیاست هدفمندی یارانه‌ها نمی‌توان نتیجه خاصی را از این پژوهش‌ها اتخاذ کرد چراکه برخی به این نتیجه رسیده‌اند که این سیاست موجب کاهش ضریب جینی و نابرابری درآمدی شده و برخی دیگر درست نتیجه‌ای عکس را اتخاذ کرده‌اند؛ هرچند در این میان پژوهشگران بین گروه‌های مختلف شهری-روستایی و یا دهک‌های مختلف تفاوت‌هایی از نظر تأثیر این سیاست قائل شده‌اند. از این روست که برخی پیشنهاد به اجرای آن داده‌اند اما برخی پیشنهاد برای اصلاح روند آن و نه توقف آن داده‌اند.

در مورد اصل ۴۴ قانون اساسی نیز گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس که از معدود پژوهش‌هایی است که روش دیگری به‌غیر از تحلیل آماری صرف را بکار برده است، اشاره کرده است که برخی بندهای این قانون موجب تشدید نابرابری و برخی موجب کاهش آن می‌شود. این گزارش نتیجه گرفته است که آزادسازی اقتصادی منتج از این اصل می‌تواند منجر به گسترش بیکاری و همچنین تورم و در نتیجه تشدید فقر و نابرابری شود؛ اما در دیگر سو تقویت تعاونی‌ها می‌تواند بیکاری را کاهش دهد که منجر به کاهش نابرابری خواهد شد. سهام عدالت نیز که در این اصل مورد اشاره قرار گرفته فقط ممکن است ثروت بدون جریان درآمدی را افزایش دهد و لزوماً فقر و نابرابری درآمدی را کاهش نمی‌دهد.

در دسته دوم پژوهش‌ها که جهت‌گیری متفاوت سیاست‌های کلان را بررسی کرده‌اند، نتایج نشان می‌دهد که سیاست‌ها اگر موجب افزایش شاخص‌های اقتصادی مانند تورم و بیکاری شوند و یا شوک‌های نقدینگی را در پی داشته باشند، می‌توانند به تشدید نابرابری منجر شوند و چنانچه در راستای افزایش یارانه و مالیات بر ثروت عمل کنند، کاهش نابرابری را در پی خواهند داشت. همچنین سیاست‌های مبتنی بر آزادسازی تجاری اگر مواردی مانند کاهش تعرفه‌ها در بخش‌های کشاورزی و معدن را موجب شوند، می‌توانند موجب کاهش نابرابری شوند و افزایش تعرفه‌ها در بخش‌های صنایع غذایی و آموزش افزایش نابرابری را در پی خواهند داشت. سیاست‌های مالی مختلف نیز اگر در راستای توسعه بازارهای مالی عمل کنند، می‌توانند در بلندمدت منجر به کاهش نابرابری شوند هرچند ممکن است در ابتدا آن را افزایش دهند. در مورد شیوه هزینه‌کرد دولت نیز نتایج نشان می‌دهد که اگر این هزینه‌ها در راستای اجرای طرح‌های عمرانی و یا افزایش هزینه‌های جاری سرانه استانی باشد، می‌تواند کاهش بیکاری و در ادامه کاهش نابرابری را در پی داشته باشد.

در دسته سوم پژوهش‌ها نیز نتیجه گرفته شده است که مواردی مانند افزایش گردشگری، کاهش نابرابری آموزشی به مدد هزینه بیشتر دولت در این بخش موجب کاهش نابرابری و افزایش شهرنشینی و مهاجرت از روستا به شهر سبب تشدید نابرابری خواهد شد.

نتیجه‌گیری

تأکید بر نابرابری درآمدی موجب دو مشکل اساسی در این پژوهش‌ها شده است. اولین مشکل این است که تأکید بر یک وجه نابرابری سبب شده است بسیاری از این پژوهش‌ها با نگاهی تک‌بعدی بسیاری از زمینه‌های شکل‌دهنده به نابرابری را نادیده بگیرند و در نتیجه در تحلیل یافته‌های خود موضعی ناکارآمد اتخاذ کنند. به‌عنوان نمونه در بررسی سیاستی خاص مانند هدفمندی یارانه‌ها برخی پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که نابرابری درآمدی در پی این سیاست کاهش یافته در حالی که در مقالاتی دیگر عکس این قضیه حاکم بوده و محقق نتیجه گرفته است که نابرابری افزایش یافته است. هرچند مسئله‌ای اجتماعی مانند نابرابری از پیچیدگی‌های بسیاری برخوردار است و استفاده از روش‌های گوناگون می‌تواند به نتایج مختلفی منجر شود؛ اما این تفاوت‌ها در نتیجه‌گیری مقالات می‌تواند بیشتر ناشی از نادیده گرفتن بسیاری از عوامل مؤثر و سایر وجوه نابرابری باشد که می‌توانند بر وضعیت کلی نابرابری تأثیرگذار باشند. دومین مشکل ایجادشده نیز مربوط به این است که در تمامی این مقالات با نگاهی کلی نتیجه گرفته شده است که نابرابری درآمدی در پی انجام سیاستی کاهش یا افزایش یافته است و هیچ توجهی به تفاوت‌های میان گروه‌های مختلف جنسیتی، سنی، قومی و... نشده است. در نتیجه جامعه ساختاری یکدست قلمداد شده است که نابرابری در تمامی سطوح آن به یک میزان کاهش یا افزایش می‌یابد.

تفوق رویکرد صرف اقتصادی به مسئله نابرابری و بکار بردن روش‌های پیچیده آماری و محاسباتی سبب شده است که از یک سو پژوهشگران علوم اجتماعی کمتر اقدام به انجام پژوهش کاربردی در این حوزه داشته باشند و از سوی دیگر ابعاد دیگر نابرابری نیز در پژوهش‌های اقتصاددانان جایی نداشته باشد. در نتیجه پژوهش‌های صورت‌گرفته نیز هرچند

از داده‌های کلان در تحلیل‌های خود بهره می‌برند اما کمتر می‌توانند توصیف و تبیینی دقیق از وضعیت نابرابری در جامعه و تأثیر سیاست‌ها بر آن ارائه دهند.

مواجهه با نابرابری به‌عنوان یک پدیده اقتصادی از سوی دیگر موجب شده است که در پژوهش‌های ذکر شده کمتر به موضوع سیاست‌گذاری‌هایی که به‌طور خاص منجر به افزایش نابرابری در جامعه در ابعاد و اشکال گوناگون شده است، توجه شود و از این رو می‌توان گفت موضوع مهمی همچون نتیجه عملکرد سیاستمداران و سیاست‌گذاران در افزایش و کاهش میزان نابرابری در جامعه نادیده گرفته شده است. پرداختن به ابعاد گوناگون نابرابری منجر به این شده است که در واقع پژوهش‌های این حوزه در این زمینه بسیار فقیر باشند و نتوانند تأثیری جدی بر عرصه‌های سیاستی بگذارند. از دیگر نتایج این شیوه پرداختن به موضوع نابرابری تکراری شدن پژوهش‌ها از نظر موضوع مورد بررسی آن‌ها بوده است.



فرا تحلیل ارزیابی تأثیر سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی بر وضعیت نابرابری در ایران

پژوهشگران: زهره سروش فر - محمد عادل

رفاه و سیاست اجتماعی - ۸

کد گزارش: ۱۷۱ - شماره مسلسل: ۱۴۰۰۱۹

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی

